

با استقبال پرشور اهالی فرهنگ و هنر؛

آیین تکریم «یدالله آقاباسی» در دانشگاه باهنر برگزار شد



استقامت - گروه جامعه: مراسم تکریم و تجلیل از سال‌ها تلاش علمی و هنری دکتر «یدالله آقاباسی» هنرمند، پژوهشگر و استاد دانشگاه، شامگاه سه‌شنبه ۲۸ مهرماه با حضور نرگس حسین‌مردی معاون سرآمدان و نخبگان بنیاد ملی، مرضیه مهدوی معاون استاندار کرمان، جمع زیادی از اساتید دانشگاه، دانشجویان و هنرمندان کرمان در تالار وحدت دانشگاه شهید باهنر کرمان برگزار شد.

استقبال گستردهٔ دانشگاهیان، اهالی فرهنگ و هنر و مدیران از این مراسم نشان‌دهنده جایگاه و محبوبیت این چهره برجسته در میان نخبگان و جامعهٔ هنری استان است.



به گزارش استقامت، رئیس دانشگاه شهید باهنر کرمان در این مراسم با اشاره به سابقهٔ طولانی آشنایی خود با دکتر آقاباسی، گفت: «ایشان از مفاخر ایران هستند و ما چقدر خوشحالیم و چقدر خوشبخت بودیم که از گرمای حضور آقای دکتر طی این سال‌ها در دانشگاه استفاده کردیم و باز خوشحال هستیم که بتوانیم از گرمای حضورشان و از تجربهٔ عظیم ایشان در سال‌های آینده استفاده کنیم».

دکتر حسین نظام‌آبادی ادامه داد: «امیدواریم نسل جوان ما بتوانند از این گوهر نایاب و سایر گوهرهایی که در دانشگاه حضور دارند، بهره‌مند شوند». وی در ادامه با اشاره به برگزاری مراسم‌های تکریم از مفاخر در دانشگاه شهید باهنر کرمان طی سال‌های اخیر، یادآور شد: «هر چقدر از این مراسمات برگزار کنیم، کم است و باید مفاخرمان را به نسل جوان معرفی و الگوسازی کنیم».

نظام‌آبادی افزود: «اگر خواستار رشد کشور هستیم باید به جوان‌ها بپردازیم و یک چراغ راه برای آن‌ها روشن کنیم تا بر اساس آن حرکت کنند و بهترین چراغ و راهنمای جوانان، مفاخری هستند که سال‌های طولانی، عمر، وقت و گاه خانوادهٔ خود را در مسیر رشد و اعتلای فرهنگ و علم این جامعه و ایران عزیز هزینه کردند».

وی در پایان ضمن تبریک به دکتر آقاباسی، خطاب به وی خاطرنشان کرد: «منوئم که حضور سبزان را در اختیار ما، دانشگاه و استان قرار دادید».

دکتر نرگس حسین‌مردی معاون سرآمدان و نخبگان بنیاد ملی، مرضیه مهدوی معاون استاندار کرمان، دکتر منصوری رئیس بنیاد نخبگان استان کرمان، دکتر مختاری استاد دانشگاه و علیرضا هاشمی‌نژاد هنرمند و پژوهشگر حوزهٔ خوشنویسی از دیگر سخنرانان این مراسم بودند.

پخش ویدئویی از دکتر حسین افشین معاون علمی رئیس‌جمهور درخصوص نخبگان، پخش یک کلیپ با موضوع زندگی‌نامهٔ دکتر آقاباسی و کلیپی از صحبت‌های دوستان این استاد فرهیخته از دیگر بخش‌های این مراسم بود. در پایان این مراسم باشکوه، ضمن رونمایی از کتاب «فنون نمایش‌های ایرانی» اثر استاد آقاباسی، با اهداء لوح تقدیر، تندیس و هدایای دیگر از ایشان تجلیل شد.

استقامت - گروه جامعه: دکتر یدالله آقاباسی، هنرمند پیشکسوت تئاتر، پژوهشگر و استاد دانشگاه در مراسمی که برای تکریم از ۵۰ سال فعالیت او در عرصهٔ هنر کشور و استان کرمان در تالار وحدت دانشگاه شهید باهنر کرمان برگزار شد، با اشاره به آیین‌های نمایش کهن، نمایشگر ایرانی را واسطهٔ فیض خواند و گفت: «یکی از مشکلات و آسیب‌های امروز جامعه، فراموشی فرهنگی است، زیرا همیشه به دیگران و شکل‌هایی که آن‌ها از ما گرفتند و دوباره به خودمان برگردانند، چشم داریم». وی تأکید کرد که اکنون وظیفهٔ نمایشگر ایرانی این است که تمام‌قد بایستد و هویت، واقعیت و فرهنگ ایرانی را به ما یادآوری کند. به گزارش خبرنگار استقامت، وی در این مراسم که شامگاه سه‌شنبه ۲۸ مهرماه برگزار شد و با استقبال دوستان، شاگردان و علاقه‌مندان همراه بود، سخنان خود را با گرمی داشت یاد و خاطرهٔ مهندس افضل‌پور و بانو فخره صبا آغاز کرد و گفت: «گرمای داشتن یاد این انسان‌های بزرگ، وظیفهٔ همیشگی ماست، زیرا دانشگاه موهون محبت خردمندانهٔ این دو بزرگوار است». آقاباسی همچنین با یادآوری نام مادر مرحومش افزود: «فقط ۱۰ سال با مادرم زندگی کردم و وقتی ۱۰ساله بودم فوت کرد؛ اما او قبل از رفتن به مدرسه، کلمه را به من آموخت. قرآن و دیوان حافظ را پیش او یاد گرفتم و قبل از ورود به دبستان، کتاب و داستان می‌خواندم». وی سپس با تشکر از همهٔ کسانی که برای برگزاری این مراسم تلاش کردند و در این جمع حضور یافتند، خاطرنشان کرد: «خود را شایستهٔ این مراسم نمی‌دانم، یکی از سختی‌های این مراسم این است که ممکن است انسان این تمجیدها را باور کند در حالی که تمام عمر سعی کردم آن‌ها را باور نکنم؛ و فکر می‌کنم هرگاه فرد این تعریف و تمجیدها را قبول کند، کارش تمام می‌شود»!

از توانایی خود به بخش کوچکی بسنده کردیم

این استاد پیشکسوت تئاتر در ادامه با اشاره به گوشه‌ای از نمایشنامه‌ای که سال گذشته به رشتهٔ تحریر درآورده، اظهار کرد: «در این نمایشنامه، روح سرزمین به صورت الهه‌ای بر گزاشگری که مطلبی دربارهٔ تمدن جبرفت و کشفیات آن نوشته، ظاهر می‌شود و از او می‌خواهد به این میزان بسنده نکند و دربارهٔ افسانه‌ها، حماسه‌ها و آدم‌های آنجا هم بنویسد. اما نویسنده در واکنش نخست،

استقامت - گروه فرهنگ و هنر: علیرضا هاشمی‌نژاد، هنرمند و پژوهشگر حوزهٔ فرهنگ در آیین تکریم دکتر یدالله آقاباسی که شامگاه سه‌شنبه ۲۸ مهرماه در تالار وحدت دانشگاه شهید باهنر کرمان برگزار شد، با بیان اینکه این هنرمند سال‌ها در غلبه با گفتمان غالب تئاتر کرمان مقاومت کرده و جریان‌ساز شده است، تأکید کرد: آنچه آقاباسی را بزرگ می‌کند، نوع بودن ایشان و تأثیرش بر جامعهٔ هنری است.

به گزارش خبرنگار استقامت، وی با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی یدالله آقاباسی بیان کرد: «آقای آقاباسی در چند حوزه از نوادر هستند، اگر در بُعد هنر بخواهم به چند نکته که کمتر به آن پرداخته شده، اشاره بکنم، فارغ از ۵۰ سال فعالیت مداوم، نوع فعالیت‌هایی را که ایشان در این دورهٔ طولانی تداوم بخشیدند، بسیار مهم است».

تلفیق ادراک عقلانی با کار خلاقانه

هاشمی‌نژاد سپس افزود: «در حوزهٔ هنر، آشتی نظر و عمل، یک موضوع بسیار مهم

یدالله آقاباسی پیشکسوت تئاتر در مراسم تکریم خود مطرح کرد؛

برای معرفی نمایش ایرانی تلاش می‌کنم دچار طلسم فراموشی فرهنگی شده‌ایم

جای پژوهش در نمایش ایرانی خالی است



این زمینه فعالیت کردند و من هم سعی کردم این کار را انجام بدهم».

کلیدواژهٔ مرگ و رستاخیز در نمایش ایرانی استاد دانشگاه باهنر کرمان در ادامه بیان کرد: «یکی از کلیدواژه‌های مهم نمایش ایرانی، مانند شبیه‌خوانی و تشبیه، که نه فقط در تعزیه، در همهٔ نمایش‌ها وجود دارد، شهادت دادن بر مرگ و رستاخیز است که البته مرگ و رستاخیزگیاهی بوده که بعدها به صورت سیاش، بعد به صورت سیاه نمایش‌های ایرانی و بعد به صورت پیام‌آوران نوروزی جلوه کرده است؛ سیاهی که از حضور مرگ برگشته، پا به هستی گذاشته و اکنون نوید زندگی می‌دهد. او همیشه شاهد است، شاهده‌ی که ناگزیر از شهید بودن است».

وی با بیان این که شکل‌های عمدهٔ نمایش ایرانی از نقطهٔ سوگ و جشن، مرگ و رستاخیز، شروع شدند، یادآور شد: «نمایشگر ایرانی در نمایش‌های ایرانی، واسطهٔ فیض است یعنی یک قداست، اهمیت و ضرورتی به نمایش ایرانی داده که ما بسیاری از آن‌ها را فراموش کردیم و بسیاری از آن‌ها به صورت کاریکاتوره‌های مبتذل یا جشنواره درآمده و بسیاری از بین رفته و یا در حال نابودی است اما نکتهٔ اصلی این است که نمایش ایرانی ما را به چیز دیگری که معناست، وصل می‌کند».

آسیب امروز فراموشی فرهنگی است

آقاباسی با اشاره به آیین زار و حضور بابا زار و ماما زار در آیین گفت: «این شخصیت‌ها واسطه هستند و بنا به اعتقادی که دارند، تن خود را در معرض باد، بلا یا سیاهی قرار می‌دهند که بیمار را شفا دهند».

نمی‌پذیرد و خطاب به الههٔ سرزمین می‌گوید: من تو را نمی‌شناسم، اما خودم را می‌شناسم و می‌دانم چه کارهایی کرده‌ام یا نکرده‌ام؛ من می‌خواستم نویسندهٔ بزرگی شوم، اما تبدیل به مطلب‌نویس یک روزنامهٔ معمولی و بی‌تیراز شده‌ام که به ضرب آگهی سرپاست. درحالی که می‌خواستم شاهکاری بنویسم که سال‌ها بماند، با جان مردم یکی شود، آن را بخوانند و آگاه و آزادشان کند، اکنون به آدمی بی‌حاصله و تنگ‌فروخت تبدیل شده‌ام که مدام باید بدود و هشتش گروی نهش باشد».

وی ادامه داد: «واقعیت این است که همهٔ ما امکانات بی‌شمار و بی‌نظیری داریم؛ ما ذهن‌های بسیار توانایی داریم، اما از بخش کوچکی از توانایی‌هایمان استفاده نمی‌کنیم و بعد چند کار جزئی برای ما بزرگ جلوه می‌کند».

جای خالی پژوهش در حوزه نمایش ایران

آقاباسی با بیان این که می‌خواهم نشان دهم که این فرهنگ و مردم چقدر پویا و با عظمت بوده‌اند، از نوشتن کتابی با عنوان «نظریهٔ نمایش ایرانی» خبر داد که به زودی منتشر می‌شود و افزود: «فکر می‌کنم نوشتن دانشنامه، فنون و نظریهٔ نمایش ایرانی وظیفهٔ من بوده و به همین دلیل برای شناساندن نمایش ایرانی به جهان، این تلاش را کردم و در قالب کارگاه‌ها در سراسر ایران، سعی کردم آن را تبیین کنم».

وی اضافه کرد: «نمایش کشورهای ژاپن، چین، هند، اروپا، یونان و رم معروف است اما دربارهٔ نمایش ایران، کار زیادی انجام نشده است، آقای بیضایی، پیشکسوت بزرگ و هنرمند ارزشمند، پنجاه سال پیش این کار را شروع کردند، تعداد اندکی از دوستان نیز در

علیرضا هاشمی‌نژاد هنرمند و پژوهشگر:

آقاباسی گفتمان غالب تئاتر کرمان را تغییر داد



«این دو حوزه سازوکار خودشان را دارند، یعنی شما زمانی که می‌خواهید دست به خلاقیت هنری بزنید باید یک رهایی و آزادی را تجربه کنید و زمانی که به کار پژوهشی، تالیف، اظهار نظر و نظریه‌می‌پردازید، مسألهٔ ادراک و نوعی شناخت مطرح می‌شود که این‌ها اگر در یک جایی به درستی تلاقی نکنند به هر دو حوزه

وی همچنین با اشاره به شخصیت ملیخای جادو و طلسم فراموش کرد در ادبیات کهن فارسی، افزود: «یکی از مشکلات و آسیب‌های امروز جامعه، فراموشی فرهنگی است، زیرا همیشه به دیگران و شکل‌هایی که آن‌ها از ما گرفتند و دوباره به خودمان برگردانند، چشم داریم».

آقاباسی ادامه داد: «در ادبیات ما طلسم فراموشی به دست ملیخای جادوگر شکل می‌گیرد و اکنون وظیفهٔ نمایشگر ایرانی این است که تمام‌قد بایستد و هویت، واقعیت و فرهنگ ایرانی را به ما یادآوری کند».

نمایش ایرانی پرده پندار را کنار می‌زند

وی با بیان این که نمایشگر ایرانی بار مردم است، گفت: «حکمت دیگر نمایش ایرانی دریدن پردهٔ پندار است، یکی از مشکلات بزرگ بشر، چه افراد و چه جوامع، توهم است و نمایش ایرانی مانند عرفا این پردهٔ پندار را کنار می‌زند». این پژوهشگر حوزهٔ تئاتر افزود: «حسین واعظ کاشف‌سبزواری در ادبیات نمایشی ما جایگاه خاصی دارد، او در دورهٔ صفویه کتابی با عنوان فتوت‌نامهٔ سلطانی نوشته و انواع هنر زمان خود را بیان کرده، پیش از آن، کسی در حوزهٔ نمایش ایرانی چیزی ننوشته است». وی یادآور شد: «حسین واعظ کاشف‌سبزواری در این کتاب در شرح معرکه‌گیری (یکی از نمایش‌های ایرانی) می‌گوید معرکه‌گیر هنرمندی‌ست که اگر پرسند صندلی از برای که می‌نهند؟ بگوی از برای هنرمندان ... و در ادامه توضیح می‌دهد، اگر پرسند که صندلی چند رکن دارد؟ بگوی چهار رکن: دو زیر و دو بالا. دورکن بالادانش و بینش است و دو رکن پایین، صبر و استقامت».

آقاباسی سپس توضیح داد: «دانش و بینش با هم است و نظر و عمل هم با یکدیگرند و این‌ها میراث نمایشی ما وجود دارد؛ این نظریه است و این‌طور نبوده که پایداری کردن سلیقهٔ من باشد».

وی با اشاره به فعالیت پنجاه و چهار ساله‌اش در حوزهٔ تئاتر، تأکید کرد: «طی این سال‌ها این‌طور نبوده که فقط ایستادگی کنم بلکه علتی داشته زیرا همان‌طور که حسین واعظ کاشف‌سبزواری گفته است؛ اهل هنر باید هرچه گوید از روی دانش گوید و به نظر بینش ببندد و داند که هر معرکه (نمایش) قابل چه سخن است، هرکه صندلی نشین است باید هرچه بدو رسد ثابت قدم باشد و به هر چیزی از جا در نرود» / پ

آسیب می‌زنند».

هاشمی‌نژاد ادامه داد: «در حال حاضر این مسأله در دانشکده‌ها مشاهده می‌شود و حتی بین دانشجویان دانشکدهٔ هنر هم مطرح است که بسیاری مباحث نظری را، به دلیل همین احساس خطر نادیده می‌گیرند». وی خاطرنشان کرد: «ادراک در ارتباط با نظر، مسئلهٔ مهمی است اما وقتی شما می‌خواهید ادراک عقلانی را با کار خلاقانه تلفیق کنید، یاد این سخن شکسپیر در مونولوگ معروفش می‌افتد که می‌گوید، پس این ادراک است که ما را بُزدل می‌نامد». این هنرمند با بیان این که بُزدلی در کار هنر جایگاهی ندارد، یادآور شد: «در کار هنر، گاهی شجاعت، شوری‌دی و آشفته‌گی، بیشتر از ادراک عقلانی کارساز است اما این که چگونه این ادراک می‌تواند با این عمل جمع بشود و تأثیرگذار باشد، هنری‌ست که همه‌کس نتوانسته به آن برسد و آقای آقاباسی یکی از معدود افرادی‌ست که این توانایی را داشته است».

ادامه در صفحه بعد